



سنگ ها

فریاد می زنند

بر مبنای کتاب های «تاملی بر بنیان تاریخ ایران» از
ناصر پور پیرار

پژوهشی در باب سنگ قبر های بی هویت در آذربایجان

پاییز 90

مقدمه :

با عنایت خداوند در یادداشت موسوم به «معبد شیطان» پرده از اسرار مقبره جعلی "شیخ شهاب الدین اهری" برداشتیم و اثبات کردیم که آن بنا یک بنای اسلامی نبوده و بیشتر به یک کنیسه یا لژ شباهت داشت. در این یادداشت کوتاه نیز سعی بر آن داریم تا از جعلیات دیگری در باب سنگ قبرهایی که در کوچه های قدیمی شهرهایمان قرار گرفته و بدون توجه و دقت به ماهیت آنها بی تفاوت از کنار آنها رد می شویم، بپردازیم در حالی که کمترین کنجکاوی در مورد آنها حقایق بسیار جالبی را برایمان اثبات می کند و ما را در درک بهتر تاریخ سرزمین مان یاری می رساند. اگر حوصله کنید و نوشته را با دقت در متن و تصاویر ارائه شده در آن ملاحظه فرمایید متوجه می شوید که عواملی در حال ساخت پیشینه قلابی برای ما هستند و هدفشان مخفی نگه داشتن دستهای آلوده کنیسه و کلیسا در ایجاد هویت ساختگی می باشد. خواهید فهمید که دست مامورین کنیسه و کلیسا در تدارک این جعلیات چقدر باز بوده است. بر اساس ابنیه به جای مانده در تبریز می توان قدمت این شهر را تخمین زد. ما در شهر تبریز با دو دسته آثار باستانی سروکار داریم دسته اول آثار به جای مانده از قبل پوریم می باشد که می توان به محوطه مسجد کبود اشاره کرد که به موزه عصر آهن معروف گشته است. گرچه در اثر بی لیاقتی مسئولین فرهنگی دیگر چیز زیادی از آن باقی نمانده، چون قبل از حفاری علمی، به بلای تپه های دیگر باستانی که قدمت قبل از هخامنشیان منطقه را اثبات می کند دچار شد. دسته دوم آثار بی هویتی هستند مانند بازار مسقف تبریز (بزرگترین بازار مسقف دنیا!) که اخیرا ثبت جهانی شد، ارک علیشاه (قلعه، دروازه، مسجد!)، مسجد کبود (فیروزه جهان اسلام!) و چند خانه قدیمی که قدمت هیچ یک از آنها بیش از قاجار نمی تواند باشد اگر یادداشت های بعدی را دنبال کنید در مورد هر یک از این ابنیه ها به صورت جداگانه خواهیم پرداخت. در اینجا اگر بتوانیم به خواننده مطالب با دلیل و منطق اثبات کنیم که شهر تبریز یک شهرنهایتا 300 ساله است به خودی خود خواننده قبول می کند که آثار دیگر تماما جعلیات اخیر بوده و قدمت واقعی هیچ یک از بناهای فوق الذکر به قبل از قاجار نمی رسد و این ابنیه ها نیز تلاش کنیسه و کلیسا برای نمایش غیر واقعی منطقه خالی از سکنه و تظاهر به وجود حیات انسان در سرزمین ایران از پوریم تا قاجار بوده است. ما برای اثبات ادعاهای خود به آثار موجود در منطقه مراجعه می کنیم و نشان می دهیم که داده های قبلی قابل باز بینی و تجدید نظر هستند.

به امید فردای بهتر

اگر در محله های قدیمی شهر تبریز تردد کنیم با سنگ قبر هایی روبرو می شویم که هیچ کتیبه ای بر روی آن ها نیست ، و این دلیل اصلی کنجکاویمان شد تا این یادداشت را تهیه کنیم چون تعداد این سنگ های بدون شناسنامه بسیار زیاد بود و قابل توجهی نیست که در قبرستان ها سنگ هایی بکار برده شود که هیچ اطلاعاتی نداشته باشد . به جز تعداد محدودی از سنگ قبرها که دارای کتیبه بوده و در ادامه در مورد آنها توضیح خواهیم داد و ماهیت آنها را نیز مشخص خواهیم نمود . در ابتدا به نمونه ای از این سنگ قبرهای پراکنده بدون هویت که تعدادشان خیلی زیاد است و حتی در بعضی موارد در ساخت ابنیه از آنها استفاده شده است توجه کنید .



به ترتیب عکس سمت راست و چپ مربوط به حیاط موزه آذربایجان تبریز و محوطه مسجد کبود می باشد . سازمان میراث فرهنگی تعدادی از سنگ قبر های پراکنده موجود در شهر تبریز و شهرستان های آذربایجان را در این محوطه جمع آوری کرده است . اگر مایل باشید با ساختمان بعضی از آنها آشنا شویم . از لحاظ جنس این سنگ قبرها اکثرا از سنگهای آذرین ساخته شده اند و در برخی از موارد سنگ مرمر و سنگهای رسوبی نیز در بین آنها دیده می شود . ولی هدف از نگارش این مقاله توضیح در مورد قدمت تاریخی و کیفیت هنری این سنگ قبر ها می باشد به همین منظور برخی از این سنگ قبر ها را مورد بررسی قرار می دهیم . اکنون به برخی از این عکس ها توجه کنید :



حال این سوال را در ابتدا مطرح می کنیم "در قبرستان ها اقوام فرد متوفی از چه طریقی قبر فرد مورد نظر خود را بعد از گذشت سال ها شناسایی می کردند ؟" تنها نظریه ای که در مورد این سنگ قبرهای بدون کتیبه می توان داد این است که این سنگ ها آماده شده بودند تا سفارش دهنده ای تقاضای نگارش اطلاعات فرد متوفی خود را بر روی آنها بدهد .

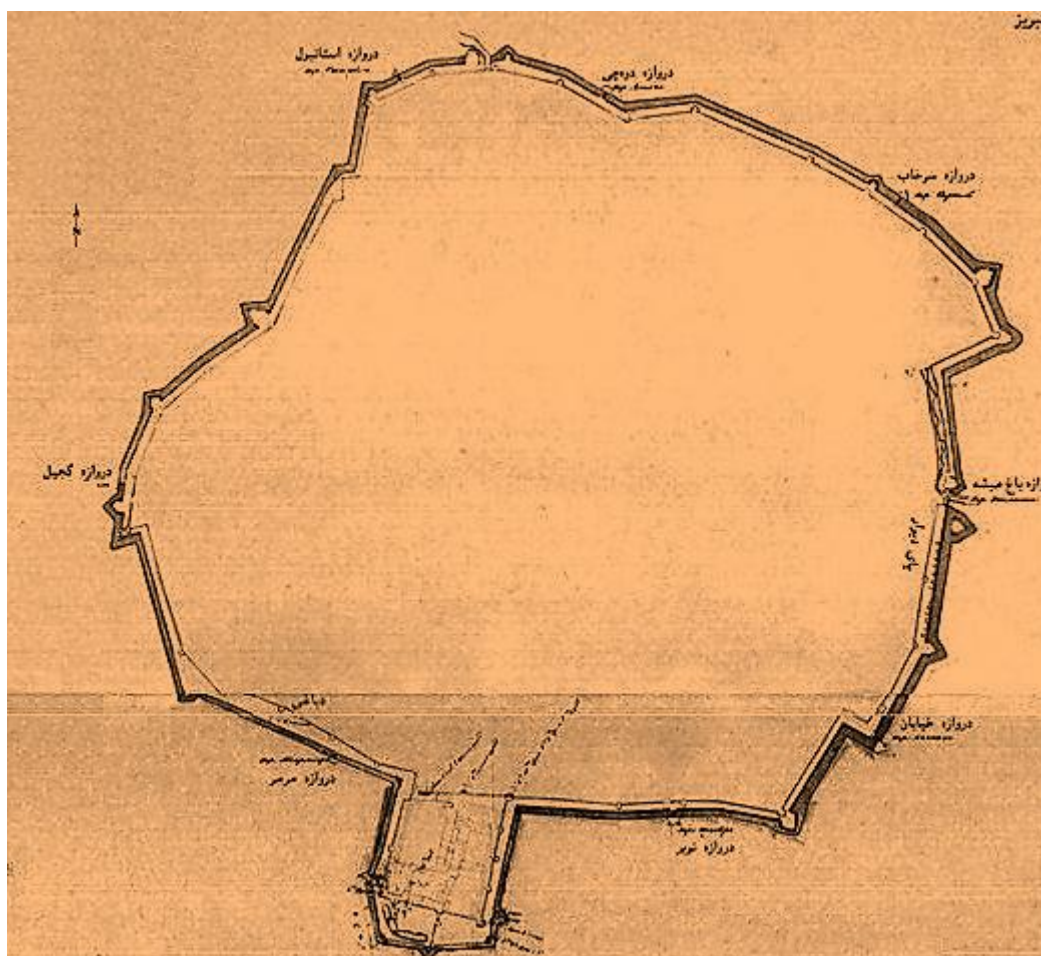


سنگ قبر های بی صاحب بعد از برچیده شدن قبرستان ها در ساخت ابنیه نیز استفاده شده است . این عکس مربوط به محله بازار "سامان میدانی" تبریز (ورودی یک انبار فروش بشکه های فلزی) می باشد .

لطفا به نقشه قدیمی شهر تبریز که توسط روس ها در حدود سال 1827 تهیه شده توجه کنید . این نقشه ، شبه دایره ای به قطر تقریبی 1400 متر و مساحتی کم تر از دو کیلومتر مربع است و دارای هشت دروازه می باشد که نام های آنها عبارتند از :

«در شمال دروازه های استانبول و دوچی ، در شمال شرقی دروازه سرخاب ، در شرق دروازه باغمیشه ، در جنوب شرقی دروازه نوبر ، در جنوب غربی دروازه میار میار، و در غرب دروازه گجیل . تمامی سطح

شهر تبریز در درون دیوارهای دفاعی ، دارای شبکه های دسترسی نامنظم است. « (هیئت مولفان ، اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار ، ص ۴۱)



تعداد اندک ساکنان شهر تبریز در اندازه ای است که نقشه بردار توانسته ساکنان شهر را نیز همانند اهالی روستایی کوچک شناسایی کند .

«تبریز نیز مانند تمامی شهر های شرقی اسلامی ، به چند ناحیه تقسیم شده است . محله های مسکونی شهر در اطراف مرکز تجاری مستقراند که کانون جذب حیات اجتماعی شهر به شمار می رود ، اما ساختار هر محله یک سلول مستقل شهری است که بناهای مذهبی در آن موقعیتی حاکم و بارز دارند . محله ها عناصری هستند که بر اساس آن ترکیب حجمی خاص شهر شکل می گیرد.» (هیئت مولفان ، اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار ، ص ۴۱)

بد نیست بعضی از اسامی اشخاص و امکنه این شهر را با هم مرور کنیم : درخانه ابوالفتح خان ، درخانه میرزا اسدالله ، درخانه میرزا رحیم ، در خانه میرزا رفیع ، درخانه محرم بیک ، درخانه عبدالرزاق ، کربلایی بابا ، کربلایی رحیم ، کربلایی ابوالحسن ، اسد ، آقا رحیم ، آقا حسین ، آقا جمال ، آقام علی ، اکبر ، امامی ، بابا ، بهرام ، حاجی رسول ، حاجی زمان ، حاجی عسکر ، حاجی فرض علی ، حاجی کاظم ، حاجی حسین علی ، حسین علی ، رضا ، رسول ، زمان ، سلطان علی ، سلطان خلیل ، شاکر ، صاحب فتح علی خان ، صادق ، صندوق دار ، عبدالحسین ، علی مردان ، علی عسکر ، علی محمد ، عدل ، قاسم ، کاظم ، محمد علی ، ملا غفار ، ملاحسن ، ملا محمد ، مهدی خان ، میرصادق ، میر صالح ، ورثه میرزا رفیع ، ناصر ، نجف قلی ، نوروز ، هاشم ، هوشنگ و همین . جمعیت اندک شهر را می توان از فهرست مساجد نیز تعیین کرد که در نقشه فقط به دو نام مسجد صاحب الامر و مسجد جامع و دو تکیه باقر و طاهر اشاره دارد و نیز شماره حمام ها که فقط سه فقره است : حمام خان ، حمام میرزا صادق و حمام نویر . همچنین بازارها به دو نام ختم می شود : بازار کفش دوزها و راسته بازار . اما تعداد کاروان سراها و باراندازها هشت فقره است ، که غالباً نزدیک به مرکز تجاری و دروازه ها و به عنوان پایانه های مسافری و مهمان پذیر مورد

استفاده بوده است. تعداد نسبتاً زیاد کاروان سراها، در عین حال از ارزش قلیل زمین و بایر بودن آن خبر می دهد: کاروان سرای حاج محمد علی، خداداد خان، زین العابدین، فتح علی خان، میرزا اسماعیل، میرزا شفیع، مرغی ها و کاروان سرای نراق. نقشه ها سه محله را نیز معرفی می کند: محله سرخاب، محله شتریان و محله مهاده مهبین.

اکنون توجه شما را به نقشه ای جلب می کنیم که محل کنونی دروازه ها و محل هایی که سنگ قبر ها را پیدا کرده ایم مشخص است. شش ضلعی ها قرمز محل تقریبی دروازه های هشت گانه و مثلث های قرمز رنگ محل هایی را نمایش می دهد که اکنون سنگ قبر ها در آن محل ها قرار دارند. که در گذشته قبرستان بوده اند ولی با گسترش شهر این قبرستان ها از بین رفته اند.



به دلایل امنیتی و بودن فضای خالی زیاد تقریباً کل بازار بزرگ و مسقف تبریز در داخل این حصار شکل گرفته است. قبرستان ها در حاشیه بیرونی این حصار قرار دارند. ما سنگ قبرها را نیز در این حاشیه پیدا کردیم، گرچه بسیاری از این سنگ قبرها از محل اصلی خود جا به جا شده اند، مثلاً به حیاط موزه تبریز یا محوطه مسجد کبود انتقال یافته اند. ولی هنوز آثار زیادی را می توان یافت که جایشان تغییر نکرده است. ما نظیر این سنگ قبرها را در شهر اهر نیز یافتیم که مانند سنگ قبرهای تبریز اکثراً بی هویت بودند و نام متوفی را ندارند.



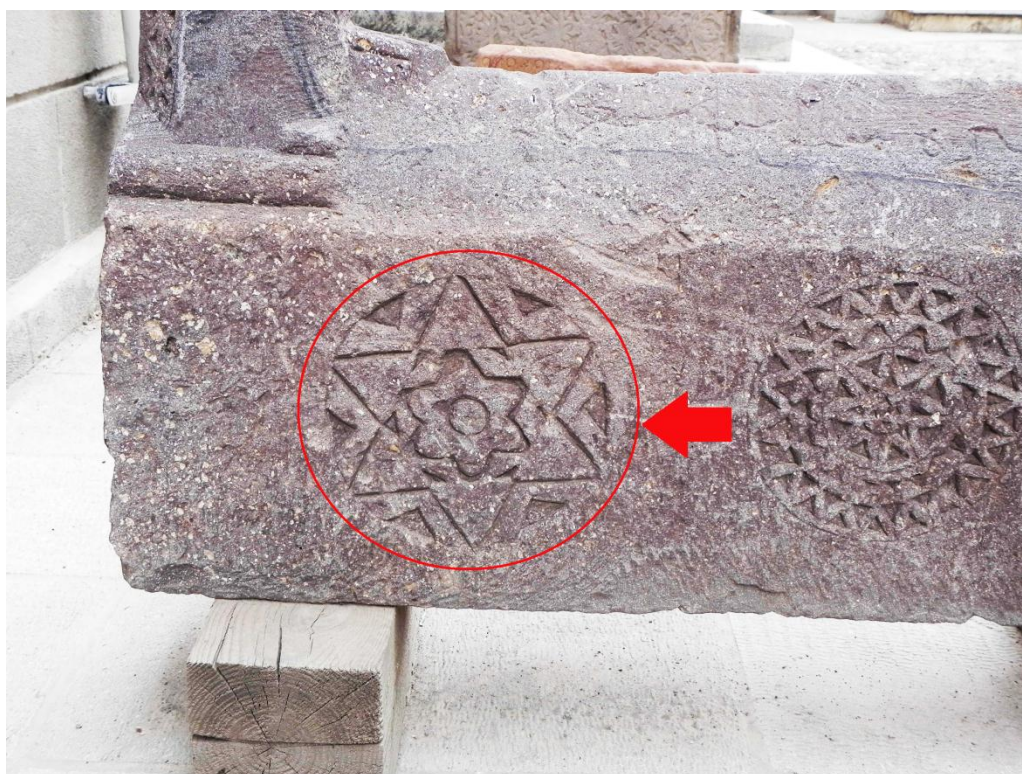
موضوع که در مورد سنگ قبر های موجود در مقبره شیخ شهاب الدین اهری بسیار جالب است عدم قرار گرفتن سنگ قبرها در جهت قبله می باشد که بهتر دانستیم در این جا مطرح کنیم. به طوری که صورت جنازه ها با این چینش سنگ قبر ها به سمت شرق می باشد. این عکس بسیار با ارزش است چون قبل از به هم زدن چینش اصلی سنگ قبرها تهیه شده و سند بسیار مهم دیگری برای بی آبرو کردن مسئولین فرهنگی کشورمان می باشد. اگر یادداشت "معبد شیطان" را با دقت مطالعه کرده باشید مسئله را راحت درک می کنید. اکنون امتداد طول سنگ قبر شیخ شهاب به سمت شرق (و در این صورت جنازه رو به قبله (جنوب) است در حالی که در این عکس امتداد طول سنگ رو به سمت شمال می باشد (صورت جنازه رو به غرب قرار می گیرد) که با اصول دفن مردگان مسلمانان همخوانی ندارد.



ما در بررسی این سنگ قبر ها دو نمونه بسیار مهم را یافتیم که کلید اصلی معما می باشند . یکی از این سنگ قبرها را در محوطه مسجد کبود و دیگری را در یکی از کوچه های محله خیابان پیدا کردیم . این سنگ قبرها دارای کتیبه هایی به زبان ارمنی هستند . البته متن این کتیبه ها به دلیل تخریب حاصل از طبیعت بدرستی قابل خواندن نیست .



پس صاحبان اصلی این قبور مسلمان نبوده اند . ما برای اثبات مسلمان نبودن صاحبان این قبور دلایل بسیار محکم دیگری نیز داریم .



آیا این ستاره برای شما آشناست . همان ستاره ای که به رنگ آبی بر روی پرچم اسرائیل نقش بسته است . پس این سنگ قبرها مربوط به یهودیان و ارامنه (مسیحی) ساکن در این سرزمین می باشد و ربطی به مسلمانان ندارد . ما سنگ قبر های مربوط به مسلمانان را نیز داریم که در زیر نمونه هایی را ارائه کرده ایم .



پس فهمیدیم که شکل گیری اولیه شهرهایی چون تبریز چگونه بوده است . مراکز حیاطی در داخل و مکان های غیر حیاطی چون قبرستان ها در خارج حصار شهر قرار داشتند بعد با افزایش جمعیت و گسترش شهر حصار شهر برچیده شده و قبرستان ها که زمانی خارج از شهر بوده اند جزیی از حومه شهر را شکل داده اند . در حدود 200 سال پیش جمعیت تبریز بیشتر از چند هزار نفر نبوده است که اکثریت جمعیت مربوط به یهودیان و ارمنه ای بوده که به صورت آشکار یا آنوسی به زندگی مشغول بوده اند . بعد بنابه دلایلی نا معلوم تصمیم می گیرند تا به صورت زیر زمینی فعالیت کنند و در سرزمین هایی که به تازگی و با مدیریت خودشان دارای جمعیت شده بود برای جلوگیری از نفوذ اسلام حقیقی شروع به ایجاد تفرقه نمایند . یکی از این کارها که چون با سرعت باید انجام می شد و به صورت ناشیانه صورت گرفته از بین بردن آثار لو دهنده و ساختن جعلیات جدید می باشد .



« کمال‌الدین بهزاد بزرگ ترین و مشهورترین نقاش نگارگری ایرانی (مینیاتور) اهل هرات در قرن دهم هجری بود . تاریخ تولد و وفاتش معلوم نیست ، بقولی در ۹۴۲ ه . ق درگذشت . اسناد او بقولی امیر روح‌الله معروف به میرک نقاش هراتی کتابدار سلطان حسین بایقرا ، و بقول دیگر پیر سیداحمد تبریزی بود و کسان دیگری را نیز نام برده‌اند . چیزی نگذشت که نزد علیشیر نوایی و سپس در دربار سلطان حسین بایقرا در هرات تقرب یافت . و پس از برافتادن تیموریان خراسان بدست محمد شیبانی همچنان در هرات ماند و بعد از استیلای شاه اسماعیل اول صفوی بر ازبکان ، همراه وی به تبریز رفت . و در ۹۲۸ ه . ق به ریاست کتابخانه سلطنتی منصوب گردید . در دوره شاه طهماسب صفوی نیز در کمال عزت و احترام میزیست و سرانجام در تبریز درگذشت و در همانجا در جوار کمال‌الدین خجندی شاعر مدفون شد . و نیز گفته‌اند که در هرات درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد . » (دانشنامه آزاد ویکی پدیا)

« کمال‌الدین مسعود خجندی ، معروف به "شیخ کمال" از عارفان و شاعران پارسی‌گوی قرن هشتم هجری بود . تولدش در خجند ماوراءالنهر بود . اما پس از سفر حج در تبریز ساکن شد . با اینکه شاعری پیشه اصلی او نبوده‌است ، دیوانش مشتمل بر حدود هشت‌هزار بیت است که بخش اصلی‌اش غزل‌های اوست . شیخ کمال در خدمت سلطان حسین جلایر در آمد و در خانقاهی که سلطان برای او ساخته بود به سر می‌برد . وی از شاعران بزرگ اواخر قرن هشتم است که مخصوصاً در غزل‌سرایی مهارت داشت . دیوان او شامل غزل‌های مطبوع زیاد و غالباً مقرون به ذوق عرفانی است . کمال خجندی معاصر حافظ بود ... کمال‌الدین خجندی در سال ۷۹۲ هجری قمری یا ۸۰۸ هجری قمری درگذشت . آرمگاه او در تبریز است . این بیت بر لوح مزار او ثبت شده است : کمال از کعبه رفتی بر در یار هزاران آفرین مردانه رفتی » (دانشنامه آزاد ویکی پدیا)

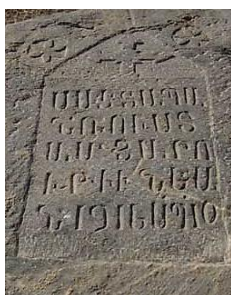
نمی دانم برای تصاویر بالا و توضیحاتش چه چیزی بنویسم . این دو سنگ قبر در حیاط موزه آذربایجان قرار دارند . مسئولین فرهنگی ما بر روی چند سنگ بی صاحب در حال تولید کمال‌الدین بهزاد و کمال‌الدین خجندی دروغین و معرفی آن‌ها به تاریخ هستند . جاعلین بی خرد در مورد این جعل سه اشتباه فاحش را انجام داده اند :

1- حجاری بر روی سنگ را با فرزهای برقی جدید بعد از صاف کردن قسمتی از سنگ انجام داده اند . آثار آن به وضوح روی سنگ دیده می شود .

2- از خط نستعلیق برای نگارش کتیبه سنگ قبر کمال‌الدین خجندی استفاده کرده اند در حالی که خط نستعلیق به گفته همین آقایان در سال 850 ه . ق به وسیله میرعلی تبریزی به وجود آمده است یعنی حدود 49 سال بعد از مرگ کمال‌الدین خجندی .

3- این موضوع را نمی دانستند که تاریخ صحیح اعلام شده توسط خودشان را بر روی سنگ قبرها بنویسند و در مورد کمال‌الدین مسعود خجندی به دلیل کوچک بودن سطح سنگ برای نگارش شعرسنگ مزارش ، از این کار امتنا ورزیده اند .

سازمانی طی یک برنامه ریزی سعی کرده است ، قبرستان هایی را که ماهیت غیر اسلامی داشته اند ، از بین ببرند ولی سنگ قبر های بی هویت را از بین نبرده اند . در تبریز برخی از این قبرستان ها مانند "قبرستان دوچی" و "سوموهلی باغ" به پارک بنفشه و گلستان تبدیل شده اند . اکنون بر روی همین سنگ قبرها مشابه کاری را انجام می دهند که در حجاری کتیبه های تخت جمشید در حال اجراست . نظیر این سنگ قبرها با هویت یهودی و ارمنی در دیگر نقاط ایران نیز یافت می شود . نمونه ای از آنها را در زیر آورده ایم :





« از آتشکده هایی که در عهد ساسانیان ساخته شده تعداد قابل توجهی در نقاط مختلف ایران هنوز به چشم می خورد . ایرانیان قدیم پیش از آنکه به دین اسلام در آیند ، پیرو آیین زرتشتی بودند و در آیین زرتشت برای تجلیل آتش که به نظر آنها یکی از اصول چهارگانه مقدس بود ، تشریفاتی انجام می دادند و هنوز هم انجام این تشریفات در میان ایرانیانی که آیین قدیم خود را حفظ کرده اند ، معمول است . آتش مقدس در آتشگاه های محفوظ نگهداشته می شد و نمی بایست هیچوقت خاموش شود . از آنجا در مواقع مشخصی ترکه های چوبی را مشتعل

می کردند و به آتشکده ها که بواسطه سبک معماری شان به «چهارتاقی» مشهورند ، می آوردند و مراسمی انجام می دادند و سرودهایی می خواندند و مردمی که در اطراف این چهارتاقی گرد آمده بودند ، در انجام این مراسم شرکت می کردند . بسیاری از این آتشکده ها پس از اسلام در ایران تبدیل به مسجد شد ، ولی آتشکده هایی که در نقاط دور دست یا کم جمعیت قرار داشتند ، به حال خود باقی ماندند و مسلمانان قرون اولیه اسلامی فراموش کردند که این چهارتاقی ها در بالای ارتفاعات برای چه منظوری ساخته شده اند و به همین دلیل است که غالباً تصور می شود که این ساختمان های کوچک و محقر برای دیده بانی یا خبر رساندن بوسیله آتش برپا شده و گاهی نیز افسانه هایی ساخته ، به آنها نسبت می دهند .» (سایت اینترنتی آتشگاه اصفهان ، تدوین و گردآوری : یاغش کاظمی و مهدی رازانی)

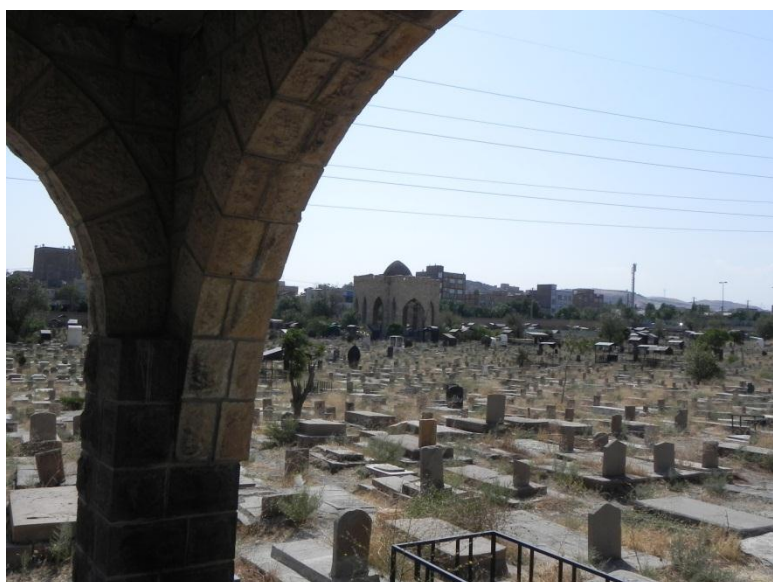
« بدون تردید در مطالعات باستان شناسی مذهبی عصر ساسانی ، آتشکده ها و چهارتاقی ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است . آتش که در تعالیم دین زرتشت از عناصر مقدس و مورد احترام یکتا پرستان زرتشتی بود ، در مدت نزدیک به پنج قرن حکومت ساسانی با احداث آتشکده ها و چارطاقی ها در سراسر امپراطوری تقدس ویژه ای یافت .» (پایگاه اطلاعات علمی گروه باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس تهران – سید مهدی موسوی کوهپیر ، فرهنگ خادمی ندوشن ، حسن هاشمی زرج آباد ، جواد نیستانی)

نام برخی از این آتشکده ها عبارتند از : آتشکده آذرگشسب ، آتشکوه ، آذرجو ، آذرخش ، اسپاخو ، برزوی ، راهگرد ، بهرام همدان ، سپرو ، صمیکان ، نوبهار ، کاریان ، کازرون ، کرکویه ، یزد ، اصفهان ، قصران ، آذربرزین مهر ، تخت سلیمان ، تپه میل ، خانه دیو ، قلعه دخترکرمان ، نوشیجان ، نیایشگاه آدریان ، نیاسر ، کولتپه و

عکس برخی از این آتشکده ها یا همان چهارتاقی ها را در زیر می بینید :



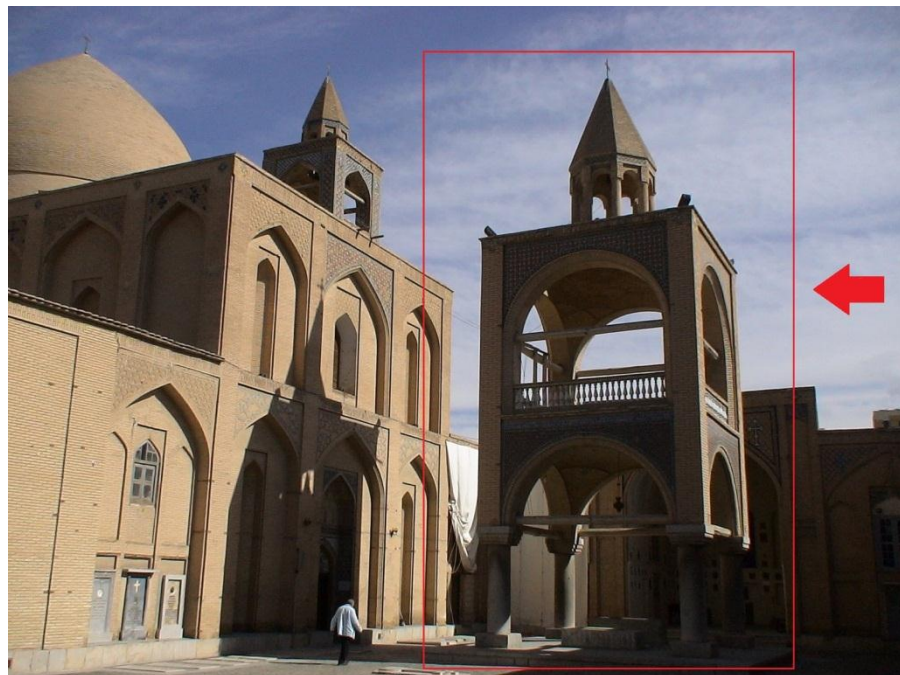
اگر از این آقایان سوال کنیم "که چگونه مسلمانان بعد از ورود اسلام به ایران این چهار تاقی ها را به مسجد تبدیل کرده اند ؟ چون آثار اسلامی در هیچ یک از آن ها دیده نمی شود . در زمستان های طاقت فرسای مناطق کوهستانی ایران آیا می توان در داخل آن ها با وجود اینکه چهار سوی آن باز است از شدت سرما نماز خواند ؟ آیا در داخل بزرگترین چهار تاقی موجود در ایران بیش از بیست نفر جای می گیرد تا بتوان در شهر های بزرگ به قول این ها نماز جماعت به جای آورد ؟ آیا مسلمانان واقعا از لحاظ معماری اینقدر ضعیف بوده اند که نمی توانسته اند برای خود مسجدی بسازند و اماکن مردم ادیان دیگر را قصب می کردند ؟" جواب همه این سوالات فقط یک کلمه است "نه" . این ها همه دروغ های کنیثف کنیسه ای و کلیسایی است .



سوال این است " این چهار تاقی ها در قبرستان ها چرا ساخته شده اند ؟" یا "چرا قبرستان ها در کنار چهار تاقی ها قرار دارد ؟" جواب بسیار ساده است هیچ کدام از این دو مقدم نسبت به دیگری نیست ، بلکه قبرها یک ارتباط مهمی با چهار تاقی ها دارند .

« در سالهای اخیر با انجام گمانه زنی و بررسی داده های باستانشناسی خصوصاً سفالهای ، آتشکده بودن آنها با شك و تردید همراه شد و چهار تاقی های مورد بحث احتمال قریب به یقین متعلق به دوران اسلامی ، حد فاصل قرون 7 و 8 هجری می باشند . این چهار تاقی ها دارای پلان مربع و پوشش گنبدی شکل بوده و با استفاده از مصالح قلوه سنگ و ملاط گچ و آهک احداث گردیده اند . » (سایت سازمان میراث فرهنگی زنجان)

این توضیح عجز سازمان میراث فرهنگی در اثبات آتشکده بودن چهار طاقی ها را نشان می دهد . نگاهی داشته باشید به عکس های زیر :



این چهار طاقی ها از سنبل های مهم و مقدس ارمنه می باشد و در کیلیساهایشان جایگاه بخصوصی دارد . ارمنه بر روی مزار بزرگان قومشان چنین بناهایی را ایجاد کرده اند . تعداد این بناها در ایران بسیار زیاد است و می توان گفت در کل کشور گسترده شده چون ارمنه ساکن ایران دارای جمعیت زیادی می باشند . ولی در ظاهر بیشترشان همانند یهودیان به اصالت خویش اعتراف نمی کنند چون در این صورت بیشتر توطئه هایشان به نتیجه نمی رسد . اگر از آتشکده ها این چهار طاقی های ارمنه را حذف کنیم دیگر چیزی به عنوان آتشکده برای آتش پرستان زرتشتی باقی نمی ماند .

ما استل هایی در ایران داریم که آن ها را به عنوان سنگ قبر معرفی می کنند که ماهیت آنها مشخص نیست . این استل ها در مناطق مرکزی کشور مثل لرستان به شکل شیر های سنگی ، در مناطق شمال غربی کشور مثل آذربایجان به شکل قوچ و در منطقه قفقاز شمالی به شکل اسب ساخته شده اند . در زیر برخی از این استل ها را می بینید :





Aydın Təbrizli

سری کتاب های تاملی بر بنیان تاریخ ایران – ناصر پورپیرار – انتشارات کارنگ

اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار – هیئت مولفان

دانشنامه آزاد ویکی پدیا

سایت اینترنتی آتشفشان اصفهان – تدوین و گردآوری : یاغش کاظمی و مهدی رازانی

پایگاه اطلاعات علمی گروه باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس تهران – سید مهدی موسوی کوهپر، فرهنگ خادمی ندوشن ، حسن هاشمی زرج آباد ، جواد نیستانی

سایت اینترنتی سازمان میراث فرهنگی زنجان

ما از عکس های موجود در دو کتاب مصور زیر به دلیل قانون کپی استفاده نکردیم ولی نمونه های ارائه شده تصویری گویای مطالب و موضوعات می باشد .

سنگ قبر – پرویز تناولی

چهار تاقی های ایران – رضا مرادی غیاث آبادی

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**